

مطالعه تطبیقی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و فرانسه با رویکردی بر قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳^۱

حمیدرضا صالحی^۲

نرگس باقری مطلق^۳

چکیده

فرزندخواندگی در تاریخ حقوق، سابقه نسبتاً طولانی دارد و در ادوار مختلف با اهداف متفاوتی مورد توجه بوده و در حال حاضر به صورت‌های کامل، ساده یا ناقص در حقوق کشورهای غربی با آثار متفاوت پذیرفته شده است. در ایران، با وجود سابقه پذیرش این نهاد در دوره ساسانیان، با نفوذ اسلام منسوخ شد؛ ولی در حال حاضر، به علت فواید آن، تحت عنوان «سرپرستی اطفال بدون سرپرست» با آثار حقوقی مشخصی احیا شده است. در نظام حقوقی اسلام، فرزندخواندگی به عنوان نهادی که تمام آثار قرابت نسبی را داشته باشد، رد شده؛ اما سرپرستی از کودکان بی‌سرپرست در آیات و روایات بسیاری، سفارش شده است. در مجموع به نظر می‌رسد نهاد سرپرستی در ایران بسیار شبیه فرزندخواندگی ساده در فرانسه است. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که با توجه به نسخ مقررات فرزندخواندگی در اسلام، و با توجه به این که نظام حقوقی ایران در موارد بسیاری متأثر از فقه اسلامی است، در خصوص فرزندخواندگی چگونه رفتار می‌شود و با توجه به نیاز جامعه به نهاد فرزندخواندگی، چه تدابیری برای این موضوع در نظر گرفته شده است؟ پس از تبیین مفهوم فرزندخواندگی، با مطالعه تطبیقی به موضوعاتی از قبیل علل نسخ فرزندخواندگی در اسلام، نحوه عملی پذیرش اطفال بی‌سرپرست، فرزندخواندگی در حقوق ایران، چگونگی پذیرش این نهاد در حقوق فرانسه و انواع فرزندخواندگی ساده و کامل در این کشور و دیگر سؤالات مرتبط پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

فرزندخواندگی، اطفال بی‌سرپرست، زوجین سرپرست، سرپرستی، حقوق ایران، حقوق فرانسه

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۲/۱۳؛ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۲۶

۲- عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

salehi_hamid1202@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

روایت است روزی پیامبر ﷺ دو رکعت آخر نماز را بسیار سریع به جای آورد، وقتی از علت سؤال کردند، فرمود: مگر صدای شیون طفل را نشنیدید؟ (کلینی، ج ۶، ص ۴۸). امروزه صدای فغان اطفال معصوم بیش از هر زمان دیگری بلند است؛ لکن قال و قيل ناشی از مدرنیته و زندگی صنعتی، گویی امکان شنیدن صدای این اطفال را کمتر به کسی می‌دهد (نوریان، ۱۳۹۲، ص ۴۴).

با نزول آیات ۳ و ۴ سوره احزاب «ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه و ما جعل ازوجکم الایمی تطهرون منهن امهتکم و ما جعل ادعیاءکم ابناءکم ذلکم قولکم بافوهکم والله یقول الحق و هو یمهدی السبیل؛ و توکل علی الله و کفی بالله وکیلا»، فرزندخواندگی که تا آن زمان در بین اعراب جاهلی مرسوم بود و فرزندخوانده به مثابه فرزند واقعی بود، منسوخ شد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، نیل آیه ۳-۴، ص ۴۱۶). فرزندخواندگی در فرانسه از زمان کنوانسیون ملی و به وسیله مجمع قانون‌گذاری ۱۸ ژانویه سال ۱۷۹۲ پیش‌بینی شد که البته از شرایط سختی برخوردار بود. بعد از جنگ جهانی اول و آواره شدن میلیون‌ها کودک، در مقررات و شرایط فرزندخواندگی تجدیدنظر شد (Gager, 1996; Cobban, 1962). قبل از ورود به بحث فرزندخواندگی و آثار حقوقی آن، نحوه ایجاد نهاد فرزندخواندگی در ایران، فرزندخواندگی و چگونگی پیدایش این نهاد حقوقی و تحول تاریخی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بیان مسأله

از مهم‌ترین مسؤولیت‌هایی که زوجین با پیوند زناشویی، بر عهده می‌گیرند، مراقبت و حمایت از فرزندان است؛ اما ممکن است بر اثر عللی، خانواده متلاشی شود و کودکانی از خانواده دور افتند یا خانواده را از دست دهند. در این صورت، چه شخص یا اشخاصی مسؤولیت نگهداری از این کودکان را خواهند داشت؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که برای رفع مشکلات آنان، فرزندخواندگی بهترین راه حل است؛ زیرا مراکز نگهداری تا سن خاصی از آنان حمایت می‌کنند و جایگزین محیط عاطفی خانواده نمی‌شوند. در اسلام و در قانون ایران که به تبعیت از اسلام شکل گرفته است، نهادی تحت عنوان فرزندخواندگی به

رسمیت شناخته نشده است؛ اما این به معنای عدم حمایت از کودکان بی‌سرپرست در اسلام نیست. این تحقیق بر اساس روش کتابخانه‌ای و با استناد به منابع فقهی و حقوقی، ضرورت حمایت از کودکان بی‌سرپرست را بررسی کرده، آثار و احکام فرزندخواندگی در فقه و حقوق مدنی ایران و فرانسه را مورد بحث قرار داده است.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱- معنای لغوی فرزندخواندگی

فرزندخواندگی از نظر لغوی از «فرزند خواندن» گرفته شده است؛ به این معنی که شخص بیگانه‌ای را که با او نسبت فرزندى ندارد، فرزند خود بخواند (دهخدا، ۱۳۷۷، نیل واژه). معادل انگلیسی این واژه "Adoption" و معادل عربی آن «دعی» است (آریان‌پور کاشانی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۸). همچنین واژه «دعی» مشتق از «دعو، دعا» است که به معنای صدا زدن، خواندن، دعوت کردن و نامیدن است. در زبان عربی واژه «تبیئ» را نیز معادل فرزندخواندگی آورده‌اند (آرنوش، ۱۳۸۶، ص ۱۹۷).

۲- معنای اصطلاحی فرزندخواندگی

در اصطلاح، فرزندخواندگی یک نهاد حقوقی است که به واسطه آن رابطه خاصی میان زن و مرد یا احد از آنان از یک‌سو و فرزندى که شرعاً یا طبعاً (از نظر ژنتیکی) متعلق به آنها نیست، از سوی دیگر ایجاد می‌گردد. در این رابطه زن و مرد به عنوان مادر و پدر و کودک به عنوان فرزند آنان است. از این‌رو زن و مرد را «مادرخوانده» و «پدرخوانده» و شخص پذیرفته‌شده را «فرزندخوانده» می‌نامند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۸۲).

۳- معنای اصطلاحی سرپرستی

سرپرستی در معنای اصطلاحی بدین معناست که برخی از آثار قرابت نسبی و به موجب قانون بین زوجین سرپرست و فرد تحت سرپرستی به وجود می‌آید. در واقع، تفاوت فرزند واقعی و فرزند حکمی یا ظاهری در این است که پیوند موجود بین فرزند

حقیقی و پدر و مادر وی پیوندی طبیعی و ناگسستنی است و رابطه حقوقی بین آنها هرگز از بین نخواهد رفت؛ ولی پیوند بین فرزند و پدر و مادرخوانده به آن محکمی نیست و عواملی نظیر انحلال خانواده و غیره، بسته به سیاست مقنن، ممکن است رابطه حقوقی موجود را زایل کند (Khan, 2006; Verdier, 2005).

سابقه تاریخی فرزندخواندگی

فرزندخواندگی نهادی است که به اشکال متعدد در بین جوامع و تمدن‌های متنوع تاریخی سابقه‌ای طولانی دارد (Chun Byung Hoon, 1989; Kim and Timothy, 1975). محققان برای پیدایش آن علل متفاوتی ذکر کرده‌اند؛ قاطبه آنان بر این عقیده‌اند که فرزندخواندگی ریشه در نیاز نظامی و اقتصادی داشته و بعضاً عوامل روحی و معنوی یا عاطفی نیز موجب ایجاد آن شده است (Herman, 2003). در حال حاضر نیز این نهاد بر اساس نیازهای معنوی خانواده و کودک بدون سرپرست استوار است. در گذشته دور، رؤسای قبایل به منظور تقویت بنیه دفاعی و ازدیاد قدرت قبیله‌ای و داشتن جمعیت فراوان، خانواده‌ها و اعضای قوم را به داشتن فرزند زیادتر تشویق می‌کردند و به افراد کثیرالاولاد، صله قابل توجهی می‌بخشیدند که به تدریج، داشتن فرزند وظیفه‌ای مقدس و سنتی حسنه شناخته شد و ارزش مذهبی پیدا کرد؛ به نحوی که افراد بدون فرزند در خود احساس کمبود می‌کردند و دچار مشکلات روحی می‌شدند. متفکران برای حل این مشکل و جبران این نقیصه راه‌حلی اندیشیدند و چنین مرسوم شد که افرادی که با وجود اشتیاق و علاقه فراوان به داشتن فرزند از این موهبت محروم هستند، فرزندخواندگانی انتخاب و جانشین فرزند واقعی نمایند (Benet, 1976). کم‌کم این طرز تفکر در ذهن مردم به عنوان سنت حسنه رسوخ کرد. از طرف دیگر در میان اقوام گذشته، خانواده بر اساس قدرت پدری یا پدرشاهی استوار بود و رئیس خانواده قدرت فوق‌العاده‌ای داشت؛ به طوری که قادر بود به میل خود افراد و اعضای خانواده را تعیین و به هر ترتیبی که می‌خواست خانواده خود را شکل دهد و حتی قادر بود اطفال و فرزندان واقعی و طبیعی خود را از خانواده اخراج کند و بیگانه‌ای را به فرزندگی بپذیرد (Herman, 2003).

در میان رومیان قدیم نیز چنین مرسوم بود که بعد از فوت رئیس خانواده، پسر وی ریاست خانواده را بر عهده می‌گرفت (امامی، ۱۳۴۹، ص ۴۰۵). به همین دلیل، داشتن فرزندان ذکور اهمیت فراوانی داشت؛ زیرا تصور مردم چنین بود که اگر مردی فوت شود و پسر نداشته باشد، کانون خانواده از هم پاشیده خواهد شد و نیز معتقد بودند دختر هر خانواده با ازدواج کردن باید آداب و آیین خانواده اصلی خود را ترک کند و الزاماً به آیین خانواده شوهر بپیوندد؛ لذا دختر قادر نبود آداب و سنن خانواده اصلی خود را حفظ کند. در نتیجه هر مرد رومی و رییس خانواده، داشتن پسر را یک نیاز حتمی و امری ضروری می‌دانست و اگر پسری نداشت یا قادر نبود صاحب فرزند شود، برحسب ضرورت، پسر شخص دیگری را به فرزند می‌پذیرفت (Huard, 1955; Howe, 1983; Rawson, (Ed.), 1987).

در حقوق مسیحیت، خانواده بر اساس ازدواج استوار بود و نهادی تحت عنوان فرزندخواندگی در مذاهب مختلف مسیحیت پذیرفته نشده بود؛ اما در حال حاضر در برخی کشورهای مسیحی نظیر آمریکا سالانه بیش از ۱۵۰,۰۰۰ طفل به صورت قانونی به فرزند می‌پذیرفته می‌شوند (Brosnan, 1922; Presser, 1971). مطالبی که در احوالات شخصیه مسیحیان آمده است، فرزندخواندگی را در بین آنان تأیید و برای آن شرایطی ذکر شده می‌کند (بهنود، ۱۳۶۹، ص ۳۹).

در حقوق مبتنی بر مذهب در کشورهای اروپایی از جمله در حقوق قدیم فرانسه، فرزندخواندگی اعتماد و ارزش قدیم خود را از دست داده یا بسیار ضعیف شده بود (Benet, 1976). در ایران باستان نیز سه نوع فرزندخواندگی مرسوم بوده است (جعفری‌تبار، ۱۳۸۴، ص ۷۴-۴۳).^۱

۱- اول: «فرزندخوانده انتخابی» و آن فرزندخوانده‌ای بود که پدر و مادرخوانده فاقد فرزند، در زمان حیات خود، او را به فرزند می‌پذیرفتند. دوم: «فرزندخوانده قهری» زن ممتاز یا دختر منحصره متوفایی بود که آن متوفی برادر یا پسری نداشت که در این صورت آن زن یا دختر بدون اراده و به طور قهری فرزندخوانده متوفی محسوب می‌گردید. سوم: فرزندخوانده‌ای که ورثه متوفای بدون اولاد، بعد از فوتش برای او انتخاب می‌کردند. فرزندخوانده از هر نوع که بود، به قائم‌مقامی متوفی مراسم مذهبی را انجام می‌داد و تمام اختیارات و قدرت متوفی به فرزندخوانده وی انتقال می‌یافت (جعفری‌تبار، ۱۳۸۴، ص ۷۴-۴۳).

فرزندخواندگی در اسلام و مستندات فقهی آن

در دوران جاهلیت وقتی طفلی را به عنوان فرزند می‌پذیرفتند، همه آثار فرزند بطنی شامل محرمیت، ممنوعیت ازدواج و وراثت را بر او مترتب می‌ساختند تا آن که خداوند در سوره احزاب فرزندخواندگی را به شکلی که در بین اعراب جاهلیت بود، منع کرد (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۷۵).

از جمله منابع فقهی مورد استناد در بررسی فرزندخواندگی، کتاب و سنت است. در آیات ۴ و ۵ و آیات ۳۶-۴۰ سوره احزاب که شأن نزول آن زید بن حارثه است، به مسأله فرزندخواندگی تصریح شده است (طوسی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۸، ص ۳۱۵). خداوند در آیه ۴ سوره احزاب می‌فرماید: «فرزندخواندگان شما را پسرانتان قرار ندادیم». و در آیه ۵ می‌فرماید: *ادعوهم لأبائهم هو اقسط عندالله فان لم تعلموا ءاباءهم فاخونکم فی الدین و مولیکم و لیس علیکم جناح فیما اخطأتم به ولكن ما تعدمت قلوبکم و کان الله عفورا رحیما*؛ «خداوند فرزندخواندگان شما را فرزندانتان قرار نداده است. این گفتار شما به زیانتان است و خداوند به حق سخن می‌گوید و به راه راست هدایت می‌کند. فرزندخوانده‌ها را به پدرانشان نسبت دهید که نزد خداوند به عدالت نزدیک‌تر است». آنان را با نام پدرانشان بخوانید. «ادعیاء» به معنای فرزندخواندگان از ریشه دعی است (طریحی، ۱۴۱۶ هـ، ج ۱، ص ۱۴۴).

پیامبر ﷺ قبل از بعثت، پسرخوانده‌ای به نام زید داشت که پس از نیل به مقام رسالت و قبل از نزول این آیات، او را زید بن محمد می‌خواندند. با نزول این آیه، فرزندخوانده‌ها باید با نام پدرانشان خوانده می‌شدند؛ پیامبر به زید فرمود که تو زید بن حارثه هستی (طبرسی، ۱۴۱۵ هـ، ج ۸، ص ۱۱۸).

قرآن در این آیات، به صراحت فرزندخواندگی را رد می‌کند؛ لذا برخی از احکام مربوط به فرزند واقعی شامل فرزندخوانده نمی‌شود. بر همین اساس، فرزندخوانده از پدرخوانده و مادرخوانده ارث نمی‌برد و بالعکس. هم‌چنین تکلیف به انفاق بین آن‌ها وجود ندارد و اثری که بر قرابت نسبی از لحاظ منع نکاح بار می‌شود، بر فرزندخواندگی مترتب نیست (بهشتی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۵).

در شریعت اسلام نهاد فرزندخواندگی وجود ندارد و اسلام جمیع احکامی که از قبل

بر آن مترتب بود، با اسلام منسوخ و باطل شد (نوری، ۱۳۵۷، ص ۶۲۶)؛ اما این سخن به معنای بی‌اعتنایی اسلام به اطفال بدون سرپرست نیست؛ آیه ۹ سوره ضحی می‌فرماید: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ». حضرت علی علیه السلام نیز در فرمان تاریخی خود به مالک اشتر دستور می‌دهد تا مواظب یتیمان باشد و به وضع آنان رسیدگی کند و نیز در وصیت به فرزندان خود، امام حسن و حسین علیهم السلام، می‌فرماید: «در مورد یتیمان از خدا بترسید؛ نکند که آن‌ها را گرسنه بگذارید تا در اثر بی‌سرپرستی ضایع و تباه گردند» (عالمی طامه، ۱۳۹۲، ص ۱۶۷). لذا به نظر می‌رسد با عنایت به مطالب مطروحه، فرزندخواندگی به مفهوم عام آن در اسلام مطلقاً منع نشده است.

آیات ۳۶-۴۰ سوره احزاب، داستان ازدواج زینب بنت جحش، دختر عمه پیامبر با زیدبن حارثه پسرخوانده پیامبر را بیان می‌کند که پس از مدتی از هم جدا شدند و پیامبر با زینب ازدواج کرد تا بیانگر این مطلب باشد که فرزندخوانده مانند فرزند واقعی نیست تا ازدواج با همسر او حرام باشد. در آیه ۳۷ برای اهمیت مطلب و روشن شدن آن، به نام «زید» در آیه تصریح شده است و گرنه دأب قرآن در این‌گونه موارد اشاره است نه تصریح؛ لذا برای رفع هر گونه ابهام فرموده ما زینب را به تو تزویج کردیم، این امر از خدا بوده است (قرشی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۶۵). بر اساس این آیات نیز فرزندخواندگی به صورت کلی نفی نشده، بلکه از لحاظ برخی احکام مانند فرزند واقعی دانسته نشده است. آیاتی که در خصوص حمایت از کودکان بی‌سرپرست نازل شده مؤید همین مطلب است. اولین قدم در اصلاح وضع یتیم و حفظ حیات او، این است که به زندگی متلاشی شده او سر و سامان بخشیده، برای او سرپرستی تعیین شود تا در سایه آن، حیات خود را بازیابد و قدم در مسیر تعالی گذارد (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۱۵۴).

در کتاب سنن ابی داود در خصوص رد رسوم جاهلی مبنی بر نسبت دادن فرزند دیگری به خود آمده است: قَامَ رَجُلٌ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّ فَلَانًا ابْنِي عَاهَرْتُ بِأُمِّهِ فِي الْجَاهِلِيَةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا دَعْوَةَ فِي الْإِسْلَامِ، ذَهَبَ أَمْرُ الْجَاهِلِيَةِ. الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ؛ مردی برخاست و گفت: یا رسول الله، فلانی پسر من است، در زمان جاهلیت با مادرش زنا کردم، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: فرزندخواندگی در اسلام

نیست؛ رسم جاهلیت از بین رفته و فرزند متعلق به صاحب بستر (شوهر) است و مجازات شخص زنا کننده، رجم است (سجستانی، ۱۴۱۰هـ.ص ۱۹۴۰). نیز روایت شده است: فرزند خوانده نه ارث می‌برد و نه از او ارث برده می‌شود و به نام پدرش خوانده می‌شود (طوسی، ۱۴۰۹هـ.ج ۸، ص ۳۴۸). همچنین از قول پیامبر ﷺ خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است: «... يَا عَلِيُّ مَنْ انْتَمَى إِلَى غَيْرِ مَوَالِيهِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ...» «یا علی، لعنت خدا بر کسی باد که خود را به غیر موالی خود نسبت دهد». و نیز روایتی است که می‌فرماید: «جز کفر مرد نیست که کسی را به نام غیر پدرش بخواند، در حالی که می‌داند او پدرش نیست؛ «لَيْسَ مِنْ رَجُلٍ دَعَى لِغَيْرِ أَبِيهِ وَهُوَ يَعْلَمُهُ أَلَّا كَفَرَ» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴هـ.ج ۱، ص ۲۶۱).

با این وجود، بر عهده گرفتن امور ایتم مورد توجه معصومان و سیره عملیشان در زندگی بوده است؛ پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَسْتَغْنَى عَنْهُ أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةَ كَمَا أَوْجَبَ اللَّهُ لِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ النَّارَ؛ «هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا بی‌نیاز شود، خداوند به سبب این کار بهشت را بر او واجب می‌سازد؛ هم‌چنان که آتش دوزخ را برخورنده مال یتیم واجب ساخته است» (مجلسی، ۱۴۱۰هـ.ج ۷، ص ۴). نیز درباره «احسان به یتیم» می‌فرماید: «خَيْرُ بِيوتِكُمْ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ يَحْسَنُ إِلَيْهِ وَ شَرُّ بِيوتِكُمْ بَيْتٌ يَسِيءُ إِلَيْهِ؛ «بهترین خانه، خانه‌ای است که در آن به یتیمی محبت شود و بدترین خانه، خانه‌ای است که با یتیمی بدرفتاری شود (حر عاملی، ۱۴۰۹هـ.ج ۱۶، ص ۳۳۸).

فرزندخواندگی در حقوق ایران

در قانون مدنی ایران، به تبعیت از حقوق اسلامی، فرزندخواندگی به رسمیت شناخته نشده است و برخورداری فرزندخوانده از حقوق فرزند واقعی، مانند توارث، مردود است (صفایی و امامی، ۱۳۷۶، ص ۲۴). لازم به ذکر است که حتی قبل از قانون حمایت از اطفال بی‌سرپرست، نشناختن فرزندخواندگی به عنوان یک نهاد حقوقی، مانع از آن نبود که اشخاص خیر به نگهداری و تربیت اطفال بی‌سرپرست قیام کنند؛ در دو کشور شیعه‌نشین ایران و لبنان، برخلاف کشورهای سنی‌نشین، فرزندخواندگی امری مقبول و رایج است (Fernea, 1995; Inhorn, 2006).

آن‌چه فعلاً به عنوان فرزندخواندگی در ایران وجود دارد، با فرزندخواندگی موجود در

ایران قبل از اسلام تفاوت‌های اساسی دارد (توسلی نایینی، ۱۳۸۸، ص ۹۲). با توجه به قانون، فرزندخواندگی را می‌توان در دو مورد ایرانیان غیرمسلمان و ایرانیان مسلمان علی‌حده مورد بررسی قرار داد.

۱- ایرانیان غیرمسلمان

اقلیت‌های دینی غیرمسلمان ایرانی که به موجب اصل ۱۳ ق.ا به رسمیت شناخته شده‌اند، فرزندخواندگی را پذیرفته‌اند. در خصوص این اقلیت‌ها به موجب بند ۳ «قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲» در مسائل مربوط به فرزندخواندگی، عادات و قواعد مسلم متداول در مذهبی که پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است، رعایت می‌شود. بنابراین طبق قانون مزبور، فرزندخواندگی برای اقلیت‌های دینی منشأ اثر حقوقی است (صفایی و امامی، ۱۳۷۹، ص ۲۷۸). رعایت مقررات مذهب پدرخوانده با مادرخوانده مشروط بر این است که اولاً اقلیت دینی مورد بحث یکی از اقلیت‌های ثلاثه مسیحی، یهودی یا زرتشتی باشد؛ ثانیاً عادات و قواعد مورد استناد، مسلم و متداول باشد و از رسوم و عادات مردود یا منسوخ و متروک در اقلیت دینی مربوط نباشد؛ ثالثاً مخالف نظم عمومی ایران تلقی نشود. قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست مصوب ۱۳۵۳ در ماده ۱۳ خود بر این امر تأکید کرده است.

۲- ایرانیان مسلمان

قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست، شرایط خاصی را برای خانواده‌هایی که می‌خواهند سرپرستی اطفال بدون سرپرست را بر عهده بگیرند وضع کرده است. هدف از این سرپرستی، طبق ماده ۲ قانون، تأمین منافع مادی و معنوی طفل است؛ ولی در هر حال فرزندخواندگی از موجبات ارث نخواهد بود.

شرایط متقاضیان سرپرستی

شرایط مربوط به سرپرستان، بنا بر آنچه از مواد ۱ و ۳ قانون مورد بحث قابل استنتاج

است، از این قرار است: ۱- وجود رابطه نکاح بین زن و مرد سرپرست؛ ۲- سن زوجین (تبصره ۲ ماده ۳)؛ ۳- فقدان سابقه جزایی مؤثر (بند ج ماده ۳)؛ ۴- اهلیت (بند د ماده ۳)؛ ۵- شایستگی اخلاقی (بند ه ماده ۳)؛ ۶- تمکن مالی (بند و ماده ۳ و تبصره ماده ۵)؛ ۷- سلامت؛ عدم ابتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج در بند ز ماده ۳ مورد توجه قرار گرفته است؛ ۸- عدم اعتیاد؛ هیچ یک از زوجین نباید معتاد به الکل یا مواد مخدر یا سایر اعتیادات مضر باشد (بند ه ماده ۳)؛ ۹- ناباروری زوجین؛ ۱۰- اقامت در ایران (ماده ۱۰).

شرایط طفلی که به سرپرستی سپرده می‌شود

طبق ماده ۶ قانون مصوب ۱۳۵۳، طفلی که برای سرپرستی به خانواده‌ای سپرده می‌شود، باید دارای شرایط ذیل باشد:

۱- سن فرزندخوانده: سن طفل باید کمتر از ۱۲ سال باشد؛ البته با توجه به ازدیاد اطفال بالای ۱۲ سال که واجد شرایط سرپرستی هستند، بر اساس ماده ۲ لایحه فعلی سن اطفال مشمول فرزندخواندگی به کمتر از ۱۸ سال افزایش یافته است.

۲- فوت اولیاء یا عدم شناسایی آنان: شرط دیگر فرزندخوانده در بند ب ماده ۶ آن است که: «هیچ یک از پدر و جد پدری یا مادر طفل شناخته نشده یا در قید حیات نباشند و یا اطفالی باشند که به مؤسسه عام‌المنفعه سپرده شده و سه سال تمام پدر و مادر یا جد پدری او مراجعه نکرده باشند».

نکات ضروری مستنبط از قانون: ۱- باردار شدن زوجه یا تولد کودک در خانواده سرپرست موجب فسخ حکم سرپرستی نخواهد بود؛ ۲- چنانچه زوجین به دلایل پزشکی نتوانند صاحب فرزند شوند، از بند ۱ و ۲ شرایط زوجین برای فرزندخواندگی معاف خواهند بود؛ ۳- وجوه و اموالی که زوجین به طفل تحت سرپرستی خود صلح می‌کنند، در صورت فوت طفل به زوجین تملیک خواهد شد؛ ۴- متقاضیان فرزندخواندگی با رعایت قانون و در صورت واجد شرایط بودن می‌توانند فرزندان متعددی را سرپرستی نمایند؛ ۵- در فرزندخواندگی، کودک از حیث احوال شخصیه، ارث و وصیت، تابع عادات و قواعد مذهبی پدر و مادر خواهد بود؛ ۶- دعوی مطروحه دعوی غیرمالی است (عالمی طامه، ۱۳۸۷، ص ۱۹).

آثار سرپرستی

سرپرستی پیش‌بینی شده در قانون حمایت از اطفال بی‌سرپرست یک نوع رابطه قرابت بین طفل و زن و شوهر سرپرست ایجاد می‌کند که دارای پاره‌ای از آثار حقوقی است. به دیگر سخن، بعضی از حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر در رابطه بین طفل و سرپرستان او نیز جاری می‌شود که ذیلاً به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- **نفقه:** نفقه طفل بر عهده سرپرستان اوست، به نحوی که در روابط بین ابویین و اولاد مقرر است. از آن‌جا که در روابط بین ابویین و اولاد، نفقه در درجه اول بر عهده پدر اوست، در مورد سرپرستی هم نفقه در وهله اول بر عهده مرد سرپرست خواهد بود و هر گاه مرد توانایی مالی برای انفاق نداشته باشد، یا دریافت نفقه از او ممکن نباشد، نفقه از اموال و دارایی زن استیفا خواهد شد (صادقی مقدم و شریعتی‌نسب، ۱۳۹۱، ص ۱۹؛ صفایی و امامی، ۱۳۷۹، ص ۳۲).

۲- **احترام:** همان‌طور که طفل باید مطیع ابویین خود بوده و به آنان احترام گذارد (ماده ۱۱۷۷ ق.م)، طفل تحت سرپرستی هم باید از سرپرستان خود اطاعت کند و به آنان احترام گذارد (انصاف‌داران، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸).

۳- **اداره اموال و نمایندگی قانونی:** بر اساس ماده ۱ قانون یاد شده، اداره اموال و نمایندگی قانونی طفل تحت سرپرستی اصولاً بر عهده مرد سرپرست است که دارای اختیارات ولی قهری است؛ مگر این که دادگاه این وظیفه را به زن سرپرست یا شخص ثالثی واگذار نماید (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۳۹۱).

۴- **ارث:** ماده ۲ اعلام می‌کند: «سرپرستی از موجبات ارث نخواهد بود». لیکن در ماده ۵ تکلیفی فراتر از یک سرپرستی ساده برای پذیرندگان در نظر گرفته شده است: «دادگاه در صورتی حکم سرپرستی صادر خواهد نمود که درخواست‌کنندگان به کیفیت اطمینان‌بخشی، در صورت فوت خود هزینه تربیت و نگهداری و تحصیل طفل را تا رسیدن به سن بلوغ تأمین نمایند».

۵- **نکاح:** منع نکاح در رابطه بین سرپرستان و طفل تحت سرپرستی به وجود نخواهد آمد. قانون به این نکته تصریح نکرده است؛ لیکن می‌توان آن را از ماده ۱۱ قانون استنباط

کرد (صفایی و امامی، ۱۳۷۹، ص ۳۳).

۶- تسری نام‌خانوادگی: «مفاد حکم قطعی سرپرستی به اداره ثبت احوال ابلاغ و در اسناد سجلی زوجین سرپرست و طفل درج و شناسنامه جدیدی برای طفل فقط با مشخصات زوجین سرپرست و نام‌خانوادگی صادر خواهد شد» (ماده ۱۴).

فسخ سرپرستی

برابر ماده ۱۶ قانون مذکور، سرپرستی که به موجب این قانون برقرار می‌شود، فقط در موارد ذیل قابل فسخ است:

۱- تقاضای دادستان در صورتی که سوءرفتار یا عدم اهلیت و شایستگی هر یک از زوجین سرپرست برای نگهداری و تربیت طفل تحت سرپرستی محرز باشد؛ ۲- تقاضای سرپرست در صورتی که سوءرفتار طفل برای هر یک از آنان غیرقابل تحمل باشد؛ همچنین در موردی که سرپرست قدرت و استطاعت برای تربیت و نگهداری طفل را از دست داده باشد؛ ۳- توافق طفل بعد از رسیدن به سن کبر با زوجین سرپرست یا موافقت زوجین سرپرست با پدر و مادر واقعی طفل (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۰، ص ۲۸-۴۹). در صورت وجود یکی از موجبات بالا، دادگاه فسخ سرپرستی را به تقاضای دادستان یا ذینفع صادر خواهد کرد. لیکن قبل از صدور حکم مزبور، سعی خواهد کرد اقدامات لازم را در جهت بقای سرپرستی به عمل آورد. در صورت صدور حکم فسخ سرپرستی و قطعیت آن، مراتب به وسیله دادگاه صادرکننده حکم برای تصحیح شناسنامه و اسناد مربوطه به اداره ثبت احوال اعلام می‌شود (ماده ۱۷). حکم فسخ سرپرستی مانند حکم برقراری آن، قابل تجدیدنظر است.

در صورت فوت زن و شوهر، موضوع سرپرستی منتفی است و باید برای طفل قیم معین‌شود و هر گاه دیگری، از لحاظ استطاعت مالی و اخلاقی بتواند به سرپرستی ادامه دهد، به تنهایی این وظیفه را عهده‌دار خواهد شد و هر گاه در اثر اعتراض پدر و مادر حقیقی طفل، معلوم شود که شرایط صدور حکم فرزندخواندگی جمع نبوده یا در جریان دادرسی حيله‌ای به کار رفته است، دادگاه صادرکننده باید آن را ابطال کند (سعینیا، ۱۳۸۵، ص ۱۴۹).

محاسن و معایب فرزندخواندگی

بی‌تردید سرپرستی از اطفال یتیم و بدون سرپرست، از نظر اجتماعی فواید بسیار زیادی دارد و اصل قضیه قابل انکار نیست؛ زیرا اطفال یتیم و بی‌سرپرست کانونی برای رشد می‌یابند و در جامعه رها نمی‌شوند. اگر برای این اطفال که فاقد سرپرست هستند، سرپرستی تعیین نشود و از تربیت صحیح محروم باشند، در آینده و پس از رسیدن به سن نوجوانی و جوانی، معضلات زیادی ایجاد خواهند کرد و ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها افزایش خواهد یافت؛ درحالی‌که با تعیین سرپرست، ضمن این که از بار مسئولیت دولت کاسته می‌شود، خانواده‌هایی که از نعمت فرزند محروم هستند، چراغی برای زندگی یکنواخت و خسته‌کننده خود می‌یابند و از افسردگی و بیماری‌های روحی روانی ناشی از عدم تولد فرزند خلاص می‌شوند. حتی این امر می‌تواند از افزایش آمار تکان‌دهنده طلاق در جامعه بکاهد (Altstein and Simon, 1991; Morrison, 2004). علی‌رغم فواید متعدد این امر، نباید در فرزندخواندگی، مقررات سرپرستی را آسان و سهل گرفت. اگر این امر به سادگی میسر شود، مضرات فراوانی به دنبال خواهد داشت؛ زیرا به ارج و اهمیت بنیاد خانواده آسیب می‌رساند و برای داشتن فرزند دیگر ضرورتی به تشکیل خانواده مشروع احساس نخواهد شد و همه خواهند توانست با پذیرفتن فرزندان طبیعی و نامشروع خود، آنان را در زمره فرزندان مشروع درآورند (Morrison, 2004; Altstein and Simon, 1991, P.117).

فرزندخواندگی در حقوق فرانسه

در حقوق قدیم و مذهبی فرانسه و بسیاری از کشورهای اروپایی، فرزندخوانده و موضوع فرزندخواندگی به کلی در خانواده‌ها محو بود (Roumy, 1998, P.219). سرانجام نهاد فرزندخواندگی از زمان کنوانسیون ملی و به وسیله مجمع قانون‌گذاری ۱۸ ژانویه سال ۱۷۹۲ پیش‌بینی شد که با شرایطی سخت همراه بود و در سال ۱۸۰۴ بنا به توصیه ناپلئون بناپارت وارد مجموعه قانون مدنی شد.

این قانون تا کنون دستخوش تغییر و تحولات بسیاری شده است (Fine, 2000, P.172). امروزه بر اساس قانون مصوب ۱۱ جولای ۱۹۶۶ دو نوع فرزندخواندگی در فرانسه وجود

دارد (Gager, 1996; Cobban, 1962).

فرزندخواندگی کامل در حقوق فرانسه

به منظور ایجاد نزدیک‌ترین رابطه و علقه ممکن نسبت به رابطه خونی و طبیعی بین فرزند و والدین، فرزندخواندگی کامل، آثار حقیقی جامعی را به وجود می‌آورد. کسی که می‌خواهد طفلی را بپذیرد، فرقی نمی‌کند که مجرد باشد یا متأهل؛ اما اگر متأهل باشد، باید شرایط زیر را داشته باشد:

- ۱- در حال افتراق جسمانی با همسر خود نباشد؛ ۲- از تاریخ ازدواج آن‌ها دو سال گذشته باشد؛ ۳- هر دو مسن‌تر از ۲۸ سال باشند؛ ۴- حداقل ۱۵ سال اختلاف سنی بین آنان و فرزندخوانده موجود باشد. فرزندخوانده نیز باید دارای شرایط زیر باشد:
- ۲- داشتن سن زیر ۱۵ سال. طفل بالای ۱۳ سال باید شخصاً به فرزندخواندگی رضایت بدهد؛ ۲- پذیرفته شدن در جمع خانوادگی پذیرنده به مدت شش ماه؛ یعنی کودک در خانه پذیرندگان حداقل شش ماه زندگی کرده باشد؛ ۳- کودک قابل فرزندخواندگی باشد؛ بدین معنی که در وضعیت ترک قرار داشته باشد. در واقع این در شرایطی است که بین امین یا قیم وی و اولیای فرزندخوانده توافق شود یا کودک تحت سرپرستی دولت باشد یا این‌که از نظر حقوقی ترک شده اعلام شده باشد (والدین وی از بیش از یک سال گذشته او را ترک و

1- Article 343: L'adoption peut être demandée par deux époux non séparés de corps, mariés depuis plus de deux ans ou âgés l'un et l'autre de plus de vingt-huit ans.

2- Article 344: Les adoptants doivent avoir quinze ans de plus que les enfants qu'ils se proposent d'adopter. Si ces derniers sont les enfants de leur conjoint, la différence d'âge exigée n'est que de dix ans. Toutefois, le tribunal peut, s'il y a de justes motifs, prononcer l'adoption lorsque la différence d'âge est inférieure à celles que prévoit l'alinéa précédent.

3- Article 345: L'adoption n'est permise qu'en faveur des enfants âgés de moins de quinze ans, accueillis au foyer du ou des adoptants depuis au moins six mois. Toutefois, si l'enfant a plus de quinze ans et a été accueilli avant d'avoir atteint cet âge par des personnes qui ne remplissaient pas les conditions légales pour adopter ou s'il a fait l'objet 'une adoption simple avant d'avoir atteint cet âge, l'adoption plénière pourra être demandée, si les conditions en sont remplies, pendant la minorité de l'enfant et dans les deux ans suivant sa majorité. S'il a plus de treize ans, l'adopté doit consentir personnellement à son adoption plénière. Ce consentement est donné selon les formes prévues au premier alinéa de l'article 348-3. Il peut être rétracté à tout moment jusqu'au prononcé de l'adoption.

4 - Article 346: Nul ne peut être adopté par plusieurs personnes si ce n'est par deux époux. Toutefois, une nouvelle adoption peut être prononcée soit après décès de l'adoptant, ou des deux adoptants, soit encore après décès de l'un des deux adoptants, si la demande est présentée par le nouveau conjoint du survivant d'entre eux.

هیچ‌گونه حق و حقوقی در خصوص وی نداشته باشند).

فرزندخواندگی کامل وقتی تحقق می‌یابد که طفل لااقل به مدت شش ماه به همین منظور در کانون خانواده‌ای پذیرفته شده باشد. بنابراین، طفل بدو به منظور فرزندخواندگی به متقاضی تسلیم می‌شود تا این دوره آزمایش را در خانواده او بگذراند و بعد از انقضای این دوره، در صورت ایجاد هماهنگی، حکم فرزندخواندگی رسماً اعلام می‌شود (محمدی، ۱۳۸۶؛ امامی، ۱۳۴۹، ص ۴۱۸).

حکم صادره در زمینه فرزندخواندگی باید ظرف ۱۵ روز از تاریخ قطعیت، حسب درخواست دادستان در دفاتر اسناد سجلی محل ولادت طفل ثبت گردد. فرزندخواندگی کامل بین طرفین یک رابطه قانونی ایجاد می‌کند که به شکل غیرقابل برگشتی جایگزین رابطه خونی اصلی فرزند می‌شود و فرزندخوانده همانند یک فرزند واقعی می‌تواند از تمامی مواهب حقوقی یک فرزند واقعی مانند نفقه، حضانت، ولایت و ارث برخوردار شود و به محض جایگزینی فرزند در منزل والدین جدید، والدین اصلی او هر گونه حق استرداد فرزند یا برقراری پیوند فرزند با او را از دست می‌دهند. البته در ماده ۳۴۶^۱ مقنن مجاز ساخته است که فرزندخوانده بعد از قوت قبول‌کنندگان بتواند فرزندخوانده شخص دیگری بشود (Verdier, 2005, P.4).

فرزندخواندگی ساده در فرانسه

فرزندخواندگی ساده یک ارتباط فرزند جدید بین پذیرنده و فرزندخوانده ایجاد می‌کند؛ اما این نوع فرزندخواندگی ارتباط بین فرزند و خانواده اصلی خودش را قطع نمی‌کند. در واقع، دو ارتباط فرزند به طور همزمان وجود دارند. شرایط مربوط به خانواده پذیرنده و فرزندخوانده همانند فرزندخواندگی کامل است. تنها استثناء این است که سن فرزندخوانده هر چه باشد، اهمیتی ندارد و اشخاص کبیر نیز می‌توانند به فرزندخواندگی پذیرفته

1- Nul ne peut être adopté par plusieurs personnes si ce n'est par deux époux. Toutefois, une nouvelle adoption peut être prononcée soit après décès de l'adoptant, ou des deux adoptants, soit encore après décès de l'un des deux adoptants, si la demande est présentée par le nouveau conjoint du survivant d'entre eux".

شوند (Fine, 2005; Lammerant, 2001).

در فرزندخواندگی ساده: ۱- فرزندخوانده در خانواده اصلی خود باقی می‌ماند؛ یعنی رابطه بین او و خانواده اصلی قطع نمی‌شود، ولی با قبول‌کننده یا قبول‌کنندگان نیز به وسیله رابطه نسبی ناشی از فرزندخواندگی ارتباط پیدا می‌کند؛ ۲- برخلاف فرزندخواندگی کامل، فرزندخواندگی ساده قابل فسخ است؛ ۳- آثار فرزندخواندگی ساده مانند فرزندخواندگی کامل، برای طرفین و اشخاص ثالث از تاریخ تسلیم دادخواست به مراجع قضایی شروع می‌شود (ماده ۳۵۵ ق.م).^۱ بنابراین، اثر حکم صادره به قبل از تاریخ دادخواست عطف نمی‌گردد و حکم مزبور در حقیقت فرزندخواندگی را ایجاد می‌کند (امامی، ۱۳۴۹، ص ۴۲۹)؛ ۴- در این نوع فرزندخواندگی هیچ‌گونه آثار حقوقی به غیر از حقوق ارث بین فرزندخوانده و خانواده پذیرنده به وجود نمی‌آید (Jeudy-Ballini, 1992; Muir-Watt, 2003).

تبدیل فرزندخواندگی ساده به فرزندخواندگی کامل

قانون مدنی فرانسه پیش‌بینی کرده است که فرزندخواندگی ساده قابل تبدیل به فرزندخواندگی کامل باشد؛ حتی اگر طفل بیش از ۱۵ سال داشته باشد. مادامی که فرزندخوانده صغیر است چنین درخواستی قانونی است به شرط آن که طفل قبل از رسیدن به ۱۵ سالگی به فرزندخواندگی ساده پذیرفته شده و شرایط فرزندخواندگی کامل نیز موجود باشد. در این صورت با صدور رأی مبنی بر اعلام فرزندخواندگی کامل، فرزندخواندگی ساده پایان می‌پذیرد (م. ۳۴۵ ق.م).^۲

توارث

مسأله ارث فرزندخوانده بحث‌برانگیز و از نظر قواعد، موجب تفاوت دو نظام حقوقی ایران

1- Article 355; L'adoption produit ses effets à compter du jour du dépôt de la requête en adoption.
2- Article 345: L'adoption n'est permise qu'en faveur des enfants âgés de moins de quinze ans, accueillis au foyer du ou des adoptants depuis au moins six mois. Toutefois, si l'enfant a plus de quinze ans et a été accueilli avant d'avoir atteint cet âge par des personnes qui ne remplissaient pas les conditions légales pour adopter ou s'il a fait l'objet d'une adoption simple avant d'avoir atteint cet âge, l'adoption plénière pourra être demandée, si les conditions en sont remplies, pendant la minorité de l'enfant et dans les deux ans suivant sa majorité.

و فرانسه گردیده است. در طول تاریخ فرزندخواندگی مقررات مربوط به ارث تغییر و تحولات فراوانی را طی کرده است؛ اما در تمام این دوران یک قاعده و قانون همواره به صورت غیر قابل خدشه ثابت و تغییرناپذیر باقی مانده است و آن ممنوعیت ارث مضاعف است؛ به این معنی که تحت هیچ شرایطی شخص نمی‌تواند هم از پدر و مادر واقعی خویش و هم از پذیرندگان ارث ببرد و به عبارتی ارث دوگانه ممنوع است (Beedle, 1976, P.266). پذیرش این قاعده خود سبب اعمال قانون (همه یا هیچ) در خصوص مسأله ارث فرزندخوانده شده است؛ گاه استدلال می‌شود که تنها خداوند است که ارث را می‌سازد و انسان و حقوق ارثی ذاتی او ناشی از روابط خونی هستند (Spitko, 2008, P.106). بنابراین، توارث تنها میان خویشاوندان واقعی می‌تواند جاری باشد. از طرف دیگر، استحکام روابط اعضای یک خانواده و جلوگیری از فروپاشی یا انحطاط آن مستلزم آن است که از ورود فردی که حق ارث آن‌ها را تهدید می‌کند، جلوگیری شود. منع رابطه توارث میان فرزندخوانده با خانواده پذیرنده در عین حال ممکن است به نفع خود او نیز باشد؛ چون سبب می‌شود حقوق ارثی‌اش در خانواده سابق تباه نگردد و همچنین از سوءاستفاده پذیرندگان برای تصاحب اموال او جلوگیری شود. در مقابل، گاهی بر لزوم جایگزینی خانواده اصلی به طور کامل با خانواده جدید (ناشی از فرزندخواندگی) تأکید و استدلال می‌شود که فرزندخواندگی باید با فراهم کردن خانواده‌ای نو، شروعی مجدد به کودک اعطا کند. از این رو، حقوق باید با او به مثابه فردی که در خانواده جدید متولد شده است، رفتار کند. در همین راستا قطع تمامی روابط میان کودک و خانواده واقعی، سبب تلفیق و همسان‌سازی بیش‌تر او با خانواده جدیدش می‌شود. از طرف دیگر، تفسیر قصد و نیت طرفین درگیر در فرزندخواندگی نشان می‌دهد که اصولاً اعضای خانواده جدید تمایل دارند که به عنوان خویشاوند وارث یکدیگر باشند و این در حالی است که خانواده واقعی و کودک احتمالاً به دیده خویشاوندی به یکدیگر نمی‌نگرند و به تعبیری قطع رابطه را پذیرفته‌اند. بدین ترتیب، همواره توارث فرزندخوانده با یکی از دو خانواده نفی شده است و تنها امری که برای تعدیل نتایج قانون «همه یا هیچ» در نظر گرفته می‌شود، وصیت یا چیزی شبیه به آن است که حسب مورد، توسط خویشان واقعی یا پذیرندگان به نفع شخص پذیرفته

شده صورت می‌گیرد (Spitko, 2008, P.106).

یافته‌های پژوهش

- ۱- بی‌تردید امروزه سرپرستی اطفال یتیم و بدون سرپرست، از نظر اجتماعی فواید بسیار زیادی دارد و اصل قضیه قابل انکار نیست. علی‌رغم فواید متعدد این امر، نباید مقررات سرپرستی را آسان و سهل گرفت؛ زیرا اگر این امر به سادگی میسر شود، مضرات فراوانی به دنبال خواهد داشت. اگرچه فرزندخواندگی به شکلی که در اعراب جاهلی مرسوم بود، با نزول آیات ۳ و ۴ سوره احزاب منسوخ شد، لکن با توجه به تعالیم دینی و آیات و روایات وارده به نظر می‌رسد فرزندخواندگی به طور کلی منسوخ نشده است و با قیودی می‌توان آن را تحت عنوان نهاد «سرپرستی» پذیرفت.
- ۲- در حقوق ایران با تصویب قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست در سال ۱۳۵۳، فرزندخواندگی تحت عنوان سرپرستی رسمیت یافته است. سرپرستی برخلاف قرابت نسب، رابطه‌ای زوال‌ناپذیر و غیرقابل فسخ نیست. از لحاظ تطبیقی، فرزندخواندگی ساده در فرانسه بسیار شبیه به فرزندخواندگی در ایران است؛ زیرا فرزندخوانده در خانواده اصلی خود باقی می‌ماند؛ یعنی رابطه بین او و خانواده اصلی قطع نمی‌شود، ولی با قبول‌کننده یا قبول‌کنندگان نیز به وسیله رابطه نسبی ناشی از فرزندخواندگی ارتباط پیدا می‌کند. نیز برخلاف فرزندخواندگی کامل، فرزندخواندگی ساده قابل فسخ است. در حقوق ایران نیز مواردی وفق ماده ۱۶ قانون مذکور برای فسخ آن مقرر شده است.
- ۳- مسأله ارث فرزندخوانده، بحث‌برانگیز و از نظر قواعد، موجب تفاوت دو نظام حقوقی ایران و فرانسه شده است. در نظام حقوقی ایران، توارث تنها میان خویشاوندان واقعی می‌تواند جاری باشد؛ در حالی که در حقوق فرانسه در فرزندخواندگی کامل، کلیه احکام قرابت نسبی اجرا می‌شود. در واقع، فرزندخواندگی کامل، بین طرفین یک رابطه قانونی ایجاد می‌کند که به شکل غیرقابل برگشتی جایگزین رابطه خونی اصلی فرزند می‌شود و فرزندخوانده همانند یک فرزند واقعی می‌تواند از تمامی مواهب حقوقی یک فرزند واقعی مانند نفقه، حضانت، ولایت و ارث برخوردار شود و به محض جایگزینی

فرزند در منزل والدین جدید، والدین اصلی او هر گونه حق استرداد فرزند یا برقراری پیوند فرزندى با او را از دست می‌دهند. اما وفق سرپرستی مقرر شده در قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست، بعضی از حقوق و تکالیف اولاد و والدین در رابطه بین طفل و سرپرستان او نیز جاری می‌شود؛ مثلاً در ماده ۵ تکلیفی فراتر از یک سرپرستی ساده برای پذیرندگان در نظر گرفته شده است؛ لکن ماده ۲ این قانون به صراحت اعلام می‌کند: «سرپرستی از موجبات ارث نخواهد بود».

۴- در حقوق ایران طبق ماده ۶ قانون مصوب ۱۳۵۳، طفلی که برای سرپرستی به خانواده‌ای سپرده می‌شود، باید کم‌تر از ۱۲ سال داشته باشد؛ در حالی که در فرانسه داشتن سن زیر ۱۵ سال شرط است و اگر طفل بالای ۱۳ سال باشد، باید شخصاً به پذیرش فرزندخواندگی رضایت بدهد.

۵- در حقوق ایران شرط دیگر این است که اولیاء طفل فوت کرده باشند یا شناسایی نشوند؛ در فرانسه نیز مقرره‌ای شبیه به همین بیان کرده است که: «کودک باید قابل فرزندخواندگی باشد».

۶- در فرانسه کودک باید در خانه پذیرندگان، حداقل شش ماه زندگی کرده باشد. به نظر می‌رسد این شرط برای حفظ منافع طفل و همچنین خانواده‌ای که سرپرستی را قبول می‌کنند، بهتر است تا در این دوره آزمایشی، هردوی آنها به شناخت کافی برای تصمیم معقول و منطقی با واقعیات برسند.

۷- تفاوت دیگری که بین قانون ایران و فرانسه وجود دارد، از حیث برخی شرایط متقاضیان سرپرستی است. در فرانسه افراد مجرد نیز می‌توانند به عنوان سرپرست معرفی شوند؛ اما در ایران بنا بر آنچه از مواد ۱ و ۳ قانون مورد بحث قابل استنتاج است، وجود رابطه نکاح بین زن و مرد سرپرست الزامی است. در مورد سایر شرایط افرادی که می‌توانند به عنوان سرپرست معرفی شوند، تفاوت معناداری بین قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست و حقوق فرانسه وجود ندارد.

منابع و مأخذ

- ✓ قرآن کریم
- ✓ آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ۱۳۸۶، تهران، نشر نی، چاپ هشتم
- ✓ آریان پورکاشانی، عباس، فرهنگ دانشگاهی آریان پور، ۱۳۸۴، جلد اول، تهران، امیرکبیر، چاپ بیست و نهم
- ✓ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، احمد فارس، ۱۴۱۴هـ بیروت، نشر دارالفکر، چاپ سوم
- ✓ امامی، اسدالله، مطالعه تطبیقی نسب و تغییر جنسیت در حقوق ایران و فرانسه، ۱۳۴۹، تهران، انتشارات میزان
- ✓ ——— «وضع حقوقی فرزندخوانده در ایران»، زمستان ۱۳۸۷، نشریه فلسفه، کلام و عرفان، ش ۱، ۴
- ✓ انصافداران، محمدرضا، آشنایی با حقوق خانواده، ۱۳۸۸، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ اول
- ✓ بهشتی، احمد، خانواده در قرآن، ۱۳۸۵، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم
- ✓ بهنود، یوسف، احوالات شخصیه از دیدگاه قوانین، ۱۳۶۹، انتشارات انزلی
- ✓ توسلی نایینی، منوچهر، «فرزندخواندگی در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و مقایسه آن با حقوق ایران» زمستان ۱۳۸۸، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴
- ✓ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ۱۳۸۱، جلد پنجم، تهران، چاپ احمدی، چاپ دوم
- ✓ جعفری تبار، حسن، «همم شهریاری همم موبدی، گفتاری در حقوق مذهبی ایران دوره ساسانی»، زمستان ۱۳۸۴، نشریه حقوق دانشگاه تهران، شماره ۷۰
- ✓ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۱۴۰۹هـ، قم، نشر مؤسسه آل البیت

علیهم السلام، چاپ اول

✓ دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، ۱۳۷۷، جلد هفتم، تهران، انتشارات و چاپ

دانشگاه تهران، چاپ دوم

✓ سبحانی، جعفر، *منشور جاوید*، ۱۳۸۳، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ اول

✓ سجستانی، سلمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، ۱۴۲۱ هـ سعید محمد اللحام، بیروت،

نشر دارالفکر، چاپ یازدهم

✓ سعیدنیا، محمدرضا، *مجموعه قوانین و مقررات اطفال و نوجوانان*، ۱۳۸۵، تهران،

انتشارات حقوقی، چاپ اول

✓ صادقی مقدم، محمدحسن و صادق شریعتی نسب، «*مطالعه تطبیقی انفاق در*

فرزندخواندگی در حقوق ایران و فرانسه»، زمستان ۱۳۹۱، نامه مفید، شماره ۹۴

✓ صفایی، حسین و اسدالله امامی، *حقوق خانواده (قربانیت و نسب و آثار آن)*، ۱۳۷۶،

جلد دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم

✓ طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ۱۳۸۳، جلد ۱۶، ترجمه سید

محمدباقر موسوی همدانی، قم، مؤسسه دارالعلم

✓ طبرسی، ابوعلی الفضل، *مجمع البیان*، ۱۴۱۵ هـ بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول

✓ طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، ۱۴۱۶ هـ تهران، مرتضوی، چاپ سوم

✓ طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، ۱۴۰۹ هـ احمد حبیب قصیر

العاملی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول

✓ عالمی طامه، حسن، «*عقد فرزندخواندگی*»، زمستان ۱۳۸۷، نشریه فقه و حقوق

✓ —، *فرزندخواندگی در اسلام*، ۱۳۹۲، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،

چاپ اول

✓ قرشی، سید علی اکبر، *تفسیر احسن الحدیث*، ۱۳۸۶، تهران، بنیاد بعثت، چاپ چهارم

✓ کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی: خانواده*، ۱۳۸۲، جلد دوم، چاپ ششم، تهران،

شرکت سهامی انتشار

✓ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الانوار*، ۱۴۱۰ هـ بیروت، مؤسسه الوفاء،

چاپ اول

- ✓ محمدی، مجتبی، *فرزندخواندگی (مطالعه تطبیقی در فقه اسلامی حقوق ایران و حقوق فرانسه)*، ۱۳۸۶، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه تهران
- ✓ موسوی بجنوردی، سید محمد، «بررسی وضعیت فرزندخوانده بعد از انقلاب اسلامی»، بهار ۱۳۹۰، مجله تحقیقات زنان
- ✓ نوری، یحیی، *جاهلیت و اسلام*، ۱۳۵۷، تهران، مجمع مطالعات و تحقیقات اسلامی و مجمع معارف اسلامی، چاپ اول
- ✓ نوریان، علی، «بررسی ابعاد حقوقی فرزندخواندگی»، ۱۳۹۲، مأوی، نشریه داخلی قوه قضاییه

- ✓ Altstein, Howard and Simon, Rita James (Ed.). *Intercountry Adoption: A Multinational Perspective*, Greenwood Publishing Group, 1991
- ✓ Beedle, *Adoption-Gutting off the Right to Succeed to Property Given to Natural Parents (Children)*, Missouri Law Review. Vol 4, 1976
- ✓ Benet, Mary Kathleen, *The politics of adoption*, New York: The Free Press, 1976
- ✓ Brosnan, J. F. *The law of adoption*, Columbia Law Review, 22(4), 332-342, 1922
- ✓ Chun Byung Hoon. *Adoption and Korea*, Child Welfare 68 (2): 1989
- ✓ Cobban, A. B. C. *A history of modern France*, (Vol. 1). CUP Archive, 1962
- ✓ *Code civil, Dernière modification du texte*, Document généré le 20 avril 2011 - Copyright (C) 2007-2008 Legifrance, 2011
- ✓ Fernea, E. W. *Children in the Muslim Middle East*, University of Texas Press, PO Box 7819, Austin, TX 78713-7819, 1995
- ✓ Fine, A, *Adoption, filiation, différence des sexes*, La vie de l'enfant, 2005
- ✓ Fine, A, *Unifiliation ou double filiation dans l'adoption française*, Anthropologie et sociétés, 24(3), 2000
- ✓ Gager, K. E. *Blood Ties and Fictive Ties: Adoption and Family Life in Early Modern France*, Princeton: Princeton University Press, 1996

- ✓ Gager, Kristin Elizabeth, *Blood Ties and Fictive Ties: Adoption and Family Life in Early Modern France*, Cloth, 1996
- ✓ Herman, Ellen, *Bertha and Harry Holt*. In *The adoption history project*, University of Oregon: Department of History: <http://darkwing.Uoregon.edu/~adoption/people/holt.htm> (2003-07-11), 2003
- ✓ Howe, R. A. W, *Adoption Practice, Issues and Laws 1958-1983*, Family Law Quarterly, 17, 173-197, 1983
- ✓ Huard, L. A, *Law of Adoption: Ancient and Modern*, The. Vand. L. Rev., 9, 743, 1955
- ✓ Inhorn, M. C, *He Won't Be My Son*, Medical Anthropology Quarterly, 20(1), 94-120, 2006
- ✓ Jeudy-Ballini, M, *De la filiation en plus: L'adoption chez les Sulka de Nouvelle-Bretagne*. Droit et cultures, (23), 1992
- ✓ Kahan, M, *Put Up on Platforms: A History of Twentieth Century Adoption Policy on the United State*, J. Soc. & Soc. Welfare, 33, 51, 2006
- ✓ Kim, Chin and Timothy G. Carroll, *Intercountry adoption of South Korean orphans: A lawyer's guide*, Journal of Family Law 14 (2): 1975
- ✓ Lammerant, I, *L'adoption et les droits de l'homme en droit comparé*, Bruylant, 2001
- ✓ Morrison, Andrew, *Transracial Adoption: The Pros and Cons and the Parents' Perspective*; Harv. Blackletter L. J. 167, 2004
- ✓ Muir-Watt, H, *Les effets en France des jugements étrangers d'adoption ou la substitution des modèles français aux institutions étrangères équivalentes*, Revue internationale de droit comparé, 55(4), 2003
- ✓ Presser, S. B, *Historical Background of the American Law of Adoption*, The. J. Fam. L., 11, 443, 1971
- ✓ Rawson, B. (Ed.), *The Family in Ancient Rome*, New Perspectives, Cornell University Press, 1987
- ✓ Roumy, F, *L'adoption dans le droit savant du XIIe au XVIe siècle*, (Vol. 279). LGDJ, 1998
- ✓ Spitko, *Open Adoption. Inheritance and the (UNCLEING) Principl*, Santa Clara Law Review. Vol 48, 2008
- ✓ Verdier, P, *Ce que l'adoption nous apprend à propos des enfants qui ne sont pas nés de la sexualité de leurs parents*, La vie de L'Enfant, 2005